

وَصَحْبِهِ (ب) وَالْقَمَرِ إِذَا نَلَّهَا (ب) وَالْمَطَارِ إِذَا
ذَائِعَ شَهْمَ (ب) وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَتْهَا لَهَا (ب) الْأَرْضِ وَمَا

نگرشی نو به سوگندهای قرآن کریم

دکتر سید عبدالوهاب طالقانی

■ مقدمه :

سوگند در عصر نبوی ﷺ و در فرهنگ حجاز جایگاه ویژه ای داشت و کار متداولی محسوب می‌گشت و یکی از عادت‌های دیرین مردم آن زمان به حساب می‌آمد. البته در فرهنگ جوامع دیگر به ویژه جوامعی که نوعی پایبندی به گفته‌ها و قانون دارند نیز جایگاه ویژه‌ای داشته و دارد.

هم‌اینک قسم، در جوامع انسانی، اهمیت خود را از دست نداده و حتی قسم یاد کردن در مواردی جنبه‌ی قانونی پیدا کرده است. فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم قضایی، پزشکی و نظامی و نمایندگان مجالس قانونی و بعضی مناصب دولتی از دیرباز برای تضمین سلامت و شرافت شغلی خود سوگند یاد می‌کنند که به قانون کشور و حقوق مردم وفادار و متعهد باشند. در دادگاه‌ها، آنجا که امکان اقامه‌ی شهود نباشد از سوگند استفاده می‌کنند. قرآن کریم نیز بر این مسأله صحنه گذاشته است. (۱) قرآن کریم عموماً در سوره‌های مکی بارها از قسم استفاده کرده و مقصود از این قسم‌ها یا تأکید بر مطالب یا رفع اتهام، (۲) یا آماده کردن مخاطب برای شنیدن سخنی مهم، (۳) یا رفع تردید و شبهه از مخاطب، (۴) یا تنظیم اهمیت مطالب، (۵) یا طرح مسائل جدید و مهم، (۶) یا مشخص نمودن حتمیت و جدی بودن وقوع خبری را، (۷) به دنبال داشته است.

گفتمان سوگندهای قرآن در کتاب‌های تفسیر و علوم قرآن کم و بیش مطرح شده و به تعریف سوگند و حروف و کلمات سوگند و تعداد و انواع سوگند و فلسفه سوگندها پرداخته شده است، (۸) اما آنچه را در این نگاه نو به سوگندهای قرآنی مطرح کرده‌ایم، تعیین اهمیت و جایگاه مقسم به یا مقسم علیه و تبیین وجود یا عدم وجود هم‌آهنگی و ارتباط مفهومی بین مقسم به، یا مقسم علیه می‌باشد.

■ کلید واژه‌ها :

اجزای سه‌گانه‌ی سوگند، انواع مقسم به‌های سوگند، انواع مقسم علیه‌های سوگند شاکله مقسم علیه‌های قرآن (توحید، معاد، نبوت و حقانیت قرآن و ارتباط انسان و طبیعت).

اجزای سه‌گانه سوگند عبارتند از:

- ۱- حرف قسم و یا ادات قسم .
- ۲- مقسم به (آنچه بدان سوگند یاد می‌کنند).
- ۳- مقسم له و یا مقسم علیه (آنچه به خاطر آن سوگند می‌خورند) نخست انواع مقسم به‌های قرآن را بر حسب اولویت مراتب وجودی و تقدم رتبی، فهرست‌وار یادآور می‌شویم سپس مقسم علیه (له)ها را از لحاظ اهمیت مسایل اعتقادی بیان می‌کنیم.

امید آنکه با معارف قرآن بیشتر آشنا شویم که آیا به خاطر بیان اهمیت مقسم به، مقسم علیه آورده شده، یا به خاطر اثبات واقعیت و اهمیت

۹- سوگند به آسمان و آنچه متعلق به اوست چون: خورشید، ماه، ستارگان و ابرهای سنگین بار، شب، روز، صبح، ظهر، عصر و غروب آفتاب.
۱۰- سوگند به زمین و مکان‌های مقدس آن، محصولات مورد عنایت آن و آنچه بدان تعلق دارد: (مکه - کوه طور)، (تین و زیتون)، (دریا - کشتی‌های روان در دریا - بادهای پراکنده و اسب‌های پیکارگر روی زمین).

۱۱- و سرانجام سوگند به دیدنی‌ها و نادیدنی‌ها: «فلا أقسم بما تبصرون و ما لا تبصرون» (۲۱)

■ مقسم علیه‌های قرآن:

با یک سیر دقیق در مقسم علیه‌های قرآن به صورت دسته‌بندی شده به اهمیت مفاهیم عالی آنها واقف می‌شویم و در حقیقت اهمیت مقسم علیه‌ها، ما را به تهیه و نگارش این مقاله موفق نمود.

آنچه ارزش دارد و خداوند متعال برای هدایت و سعادت بشر بدان ارج می‌نهد عبارتست از:

- ۱- اقرار به وحدانیت ذات کبریایی خودش.
- ۲- اعتقاد همگان به روز واپسین و وعده و وعید آن و تأثیری که بر اعمال آدمیان می‌گذارد.
- ۳- پذیرفتن مقام رسالت پیامبر عظیم‌الشان و شناخت مواهب الهی بر حضرتش.
- ۴- اعتقاد به حقانیت کلام خدا و آسمانی بودن قرآن کریم.
- ۵- و سرانجام درک ارزش مقام والای انسان، شناخت صفات و حالات گوناگون و قدرتها و ضعف‌ها.

اینها سلسله موضوعات مهم اعتقادی است که اعتقاد راسخ به آنها، سعادت واقعی را برای انسان تأمین می‌نماید.

هدف از بعثت انبیاء و ارسال کتب آسمانی، هدایت بشر است و هدایت بدون باور به پنج اصل فوق که شاکله مقسم علیه‌های قرآن بر آن استوار است، میسر نباشد.

اکنون توجه علاقه‌مندان را به بیان آیات اصول پنجگانه فوق معطوف می‌داریم:

مقسم علیه (له) به ذات مقدس خود و یا به مقدسات جهان آفرینش سوگند یاد کرده است.

نکته نهایی آنکه آیا بین مفاهیم مقسم و مقسم علیه هم‌آهنگی و ارتباط مفهومی رعایت شده یا هیچ نوع ارتباطی وجود ندارد، بلکه برای بیان اهمیت مقسم علیه صرفاً سوگند یاد شده است؟ بررسی ابعاد مختلف این نکته، تحقیقی گسترده می‌طلبد که مقاله‌ای مستقل باید بدان اختصاص یابد و از حوصله این مقاله خارج است. ذیلاً توجه خوانندگان را به انواع مقسم به قرآن، با رعایت دسته‌بندی و اهمیت مراتب وجودی جلب می‌نمایم:

۱- سوگند به ذات اقدس کبریایی خود: «تالله لتسئلنّ عما کنتم تفترون» (۹)

۲- از پیامبرش می‌خواهد که به ذات مقدس او سوگند خورد: «و یستنبئونک احقّ هو قل ای و ربی ائنه لحق» (۱۰)

۳- سوگند به جان پیامبر: «لعمرك انهم لفی سکرتهم یعمهون» (۱۱)

۴- سوگند به قرآن: «والقرآن الحیکم» (۱۲)
«والقرآن ذی الذکر» (۱۳) «والکتاب المبین» (۱۴) «ق والقرآن المجید» (۱۵)

۵- سوگند به فرشتگان: سوره‌های والصفات (۳۷) و المرسلات (۷۷) و النازعات (۷۹).

۶- سوگند به نفس انسان: «ونفس و ماسواها» (۱۶) «ولا أقسم بالئنفس اللّوامة» (۱۷)

۷- سوگند به قلم و آنچه انسانها با آن به نگارش در می‌آورند و سوگند به کتاب: «والقلم و ما یسطرون» (۱۸) «و کتاب مسطور» (۱۹)

۸- سوگند به قیامت: «لا أقسم بیوم القیامة» (۲۰)

۸- «زعم الذين كفروا ان يعثوا قل بلى و ربى لتبعثن ثم لتبسنون بما عملتم و ذلك على الله يسير» (۳۰)

۹- «فوربك» «لنحشرنهم و الشيطان ثم لنحضرنهم حول جهنم جثيا هم لنزعن من كل شيعة ائهم اشد على الرحمن عتيا ثم لنحن اعلم بالذين هم اولى بها صليا و ان منكم الا واردها كان على ربك حتما مقضيا» (۳۱)

۱۰- «فوربك لنسئلنهم اجمعين عما كانوا يعملون» (۳۲)

۱۱- «تالله لنسئلن عما كنتم تفترون» (۳۳)

۱۲- «و يستنبئونك احق هو قل اى و ربى ائه لحق و ما انتم بمعجزين» (۳۴)

۱۳- «و النازعات غرقا و الناشطات نشطا و السابحات سبحا و السابقات سبقا و المديرات امرا يوم ترجف الراجفة و تتبعها الرادفة و قلوب يومئذ واجفة و ابصارها خاشعة و يقولون انا لمردودون فى الحافرة و اذا كنا عظاما مخرة و قالوا تلك اذا كره خاسره» (۳۵)

۱۴- «فلا اقسام برب المشارق و المغرب انا لقادرون و على ان نبذل خير منهم و ما نحن بمسبوقين و فذرهم يخوضوا و يلعبوا حتى يلاقوا يومهم الذى يوعدون و يوم يخرجون من الاجداث سراعا كأنهم الى نصب يوفضون و خاشعة ابصارهم تزهقهم ذله ذلك اليوم الذى كانوا يوعدون» (۳۶)

■ **دسته سوم :**

اثبات حقانيت پیامبر بزرگوار و بیان

■ **دسته اول :**

مقسّم علیه‌هایی که بر وحدانیت حق تعالی تأکید دارد.

«والصّافات صفا - فالزّاجرات زجرا - فالتّاليات ذكرا - انا لهكم واحد» (۲۲)

■ **دسته دوم :**

قیامت و وعده و وعید به آن :

۱- «والذّاریات ذروا - فالحاملات و قرا - فالجاریات يسرا، فالقسّمت امرا التّما توعدون لصادق، و ان الذّین لواقع» (۲۳)

۲- «والسمّاء ذات الحبک انکم لفى قول

مختلف - یؤفک عنه من افک - قتل الخراصون -

الذّین هم فى غمره ساهون - یسئلون ایان یوم

الذّین - یوم هم على الثّار یفتنون - ذوقوا

فتنتکم هذا الذّی کنتم به تستعجلون» (۲۴)

۳- «فورب السماء و الارض - ائه لحق مثل

ما انکم تنطقون» (۲۵)

۴- «و المرسلات عرفا - فالعاصفات عصفا - و

التّاشرات نشرا - فالفارقات فرقا - فالملقیات

ذکرا - عذرا او نذرا التّما توعدون لواقع» (۲۶)

۵- «و الطّور - و کتاب مسطور - فى رق

منشور و البیت المعمور - و السّقف المرفوع -

و البحر المسجور - انّ عذاب ربک لواقع - ماله

من دافع - یوم تمور السماء مسورا - و

تسیر الجبال سیرا» (۲۷)

۶- «لا اقسام بیوم القیامه و لا اقسام بالّئفس

اللّوامه ایحسب الانسان ان ینجم عظامه -

بلى قادرین على ان نسوی بنانه» (۲۸)

۷- «و قال الذّین كفروا لا تاتینا السّاعة قل

بلى و ربى لتاتینکم عالم الغیب» (۲۹)

٣- «فلا اقسام بالخنس - الجوار الكنس -
والليل اذا عسعس - والصبح اذا تنفس ائه لقول

رسول كريم» (٤٦)

٤- «حم والكتاب المبين - انا انزلناه في ليله
مباركه انا كنا منذرين» (٤٧)

٥- «حم والكتاب المبين - انا جعلناه قرآنا
عربيًا لعلكم تعقلون - وائه في ام الكتاب لدينا
لعلى حيككم» (٤٨)

٦- «كلا والقرم - والليل اذا ادبر - والصبح اذا
اسفر - انها لا حدى الكبر - نذيرا للبشر» (٤٩)

■ دسته پنجم:

انسان و حالات او:

١- «والشمس و ضحها - والقرم اذا تلهها -
والنهار اذا جلها - والليل اذا يغشها - والسماء
و ما بناها - والارض و ما طحاها - و نفس و
ما سواها - فاهمها فجورها و تقواها - قد افلح
من زكياها - و قد خاب من دسيها» (٥٠)

٢- «والثين و الزيتون - و طور سينين - و
هذا البلد الامين - لقد خلقنا الانسان في احسن
تقويم - ثم رددناه اسفل سافلين - الا الذين
آمنوا و عملوا الصالحات فلهم اجر غير
ممنون» (٥١)

٣- «والليل اذا يغشى - والنهار اذا تجلى - و ما
خلق الذكرو والانثى - ان سعيكم لشتى» (٥٢)

٤- «والسماء و الطارق - و ما ادرك ما
الطارق - النجم الثاقب - ان كل نفس لما عليهم
حافظ - فلينظر الانسان مم خلق - خلق من
ماء دافق - يخرج من بين الصلب و
الترائب» (٥٣)

اوصاف كريمه و مواهب عاليه الهى بر
حضر تش:

١- «يس - والقرآن الحكيم - انا لمن المرسلين
- على صراط مستقيم» (٣٧)

٢- «ن و القلم و ما يسطرون - ما انت بنعمه
ربك بمجنون - و ان لك لاجرا غير ممنون و
اذا لعلى خلق عظيم» (٣٨)

٣- «والضحى - والليل اذا سجى - ما ودعك
ربك و ما قلى - ولى خره خير لك من الاولى -
و لسوف يعطيك ربك فترضى» (٣٩)

٤- «والنجم اذا هوى - ما ضل صاحبكم و ما
غوى - و ما ينطق عن الهوى» (٤٠)

٥- «فلا وربك - لا يومنون حتى يحكموك فيما
شجر بينهم» (٤١)

٦- «ق و القرآن المجيد - بل عجبوا ان جاءهم
منذر منهم» (٤٢)

٧- «تالله - لقد ارسلنا الى امم من قبلك فزين
لهم الشيطان اعمالهم فهو وليهم اليوم و لهم
عذاب اليم» (٤٣)

■ دسته چهارم:

حقانيت قرآن:

١- «فلا اقسام بمواقع النجوم - و ائه لقسم لو
تعلمون عظيم - ائه لقرآن كريم - فى كتاب
مكنون - لا يمسه الا المطهرون - تنزيل من رب
العالمين» (٤٤)

٢- «فلا اقسام بما تبصرون - و ما لا تبصرون -
ائه لقول رسول كريم - و ما هو بقول شاعر
قليلا ما تؤمنون - و لا بقول كاهن قليلا ما
تذكرون - تنزيل من رب العالمين» (٤٥)

